

۱۳۹۸

اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد سوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضلالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوهرنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست مطالب

- حبیب اله ابراهیمی**
تبیین فلسفی اوصاف اخلاقی خداوند در مکتب فلسفی اصفهان بر اساس اندیشه های ملاصدرا ۱۱
- محمد هادی توکلی**
حکیم لاهیجی (حکیم آزاده) ۳۱
- مهدی جمالی نژاد / سید محمد رضا طلاکش**
برنامه ریزی شهری در اسلام و الزامات دنیای مدرن (با تأکید بر مبانی مکتب فلسفی اصفهان) ۵۷
- مهدی راونجی**
بسط تاریخی حیات عقلی اصفهان ۱۰۳
- ایوب رسولی / ابراهیم فیض اله بیگی / حسین فرود / سید سعید توتونچی**
فلسفه نماهای مساجد در مکتب شهرسازی اصفهان ۱۱۳
- محمد رضا زاد هوش**
ارزش مکتب فلسفی اصفهان میراث معنوی ایرانیان ۱۲۵
- یزدان سلطانی**
سایه فلسفه بر هنر "بررسی شاخصه‌های تأثر معماری از مکتب فلسفی اصفهان" ۱۳۳
- الهام صالح / سارا هرزندی / شهلا غفاری جباری**
تأثیر آموزه های مکتب فلسفی اصفهان بر معماری مساجد شیعه ۱۵۷
- پروانه صانعی / محمود عالی پور**
خیام و مکتب فلسفی اصفهان ۱۷۷
- حمید عطایی نظری**
داوری فیاض لاهیجی میان میرداماد و ملاصدرا در مسأله اصالت وجود ۱۹۳
- مهدی کمپانی زارع**
غوری در مواجهه فیض کاشانی با تصوف ۲۱۱
- نرگس معین نجف آبادی**
زنان در مکتب اصفهان ۲۳۷
- سید کاظم مفتاحی**
تأثیرگذاری حکما و فلاسفه اصفهان بر فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی ۲۵۳
- هژیر مهری**
بن مایه های معرفتی انسان مداری اسلامی با تأکید بر آراء ابن مسکویه رازی ۲۷۵
- محمد نصر اصفهانی**
ابن مسکویه و تکامل انواع ۳۱۵

مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان ۱۰

عصمت همتی

وحدت یا کثرت حقیقت وجود با تاکید بر تشکیک خاصى صدر المتألهین ۳۳۷

نمایه عنوان مقالات ۳۶۲

بسط تاریخی حیات عقلی اصفهان

مهدی راونجی^۱

چکیده

برآمدن حکومت صفویان با تاجگذاری شاه اسماعیل در ۹۰۶ هجری علاوه بر اینکه ایران را پس از قرن‌ها سیطره حاکمیت بیگانه و مشوش به کشوری قدرتمند و مستقل تبدیل می‌ساخت؛ نسیم پویایی را - نیز با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور- در روح خسته حوزه های فرهنگی ایران می‌دمید. حکومت صفوی برآمده از آموزه‌های مذهب، آرام آرام تشیع اثنی‌عشر را به عنوان مهمترین رکن ایدئولوژی سیاسی و مشی فرهنگی خود برگزید. بر این تصمیم نتایجی مترتب بود:

نخست اینکه به لحاظ عقیدتی جایگاه حاکمان صفوی را به عنوان متولیان حکومت شیعی و نایبان امام غائب شیعیان تعالی می‌داد. دوم اینکه در سیاست خارجی آنان را به عنوان امپراطوری نورسیده مدعی در شرق در مقابل امپراطوری دیرپای عثمانی به عنوان متولیان عالم اسلام (تسنن) قرار می‌داد و دست آخر و تا آنجا که به موضوع این مقاله مربوط است برای تثبیت پایه‌ای حکومت تازه تاسیس خود لاجرم حاکمان صفوی را به تجدید نظر در حوزه‌های فکری به معنی اعم (کلام، فلسفه و فقه) وامی‌داشت تا آنجا که اقبال آنان آثار مهم جهت تثبیت مبانی اعتقادی ایدئولوژی پویای صفوی پدید آورد. پویایی حیات عقلی اصفهان در دوره صفوی عمدتاً ناشی از همین دیدگاه‌ها بود و فرصتی بوجود آورد که در پایان نتایجی چون حکمت متعالیه و مکتب متعالی اصفهان را در پی داشت.

واژگان کلیدی: صفویه، اصفهان، مکتب فلسفی، تشیع، قزوین

مقدمه:

ظهور امپراطوری مقتدر صفوی در پهنه تاریخ ایران پس از سالها سیطره حکومت های غیر ایرانی، فقط یکپارچگی کشور ایران از نظر سیاسی به دنبال نداشت بلکه دگرذیسی فرهنگی در سراسر کالبد فکری و سنت فرهنگی ایران نیز رخ نمود تغییر بافت سیاسی و اجتماعی و البته فرهنگی ایران با طلوع دولت صفوی در قلمرو ایران نتیجه ای در خور توجه است. دولت صفوی با انتخاب ایدئولوژی پویای اثنی عشری مشی فرهنگی خود را در این دگرذیسی برگزید، علاقه و نیاز حاکمان صفوی در انتخاب مذهبی متمایز از آنچه رقیب دیر پای آنان در غرب سرزمینشان یعنی عثمانی برگزیده بود لاجرم مستلزم پی ریزی حیات معنوی جدید برپایه آموزه های شیعی بود.

حاکمان شیعی و البته صوفی مشرب صفوی برای تثبیت پایه های اجتماعی و فرهنگی حکومت تازه تاسیس خود به تجدید نظر در حوزه های فکری به معنی اعم کلام، فلسفه، فقه و... پرداخته تا آنجا که اقبال آنان منجر به پدید آمدن اثری مهم در این زمینه ها شد.

مکتب اصفهان در واقع پاسخی به نیازهای فکری آن روزگار ایران و این نیاز بود مکتب اصفهان که برای پویایی جریان های فکری - فلسفی به معنی اعم آن دوره بود در حقیقت تداوم سنت فلسفی ایران از روزگاران باستان تا آن روز بود که در آثار بزرگانی چون میرداماد، شیخ بهایی، صدر المتالهین و ... به ثمر نشست.

در بررسی علل پویایی آنچه از آن در این مقاله به حیات عقلی اصفهان یاد می شود باید سه دلیل عمده را بر شمرد:

نخست: ایدئولوژی صفوی مبتنی بر مذهب اثنی عشری

دوم: تداوم سنت فلسفی ایران از قزوین به اصفهان و شکل گیری مکتب فلسفی اصفهان

سوم: سیاست خارجی و نتیجتاً تساهل و تسامح دربار صفوی نسبت به پیروان سایر ادیان

بالاخص مسیحیت

الف - حکومت صفویه: سیاست در قلمرو مذهب (ایدئولوژی صفوی مبتنی بر مذهب

اثنی عشری)

دستیابی شاه اسماعیل صفوی در تابستان سال ۹۰۶ بر اورنگ پادشاهی طلوع قدرتی را در

شرق آن روزگار رقم زد که مهمترین وجه امتیازش از رقیب دیرپای غربی خود، یقیناً رسمیت

مذهب تشیع بود.

"تشیع نه تنها در تاریخ اسلام از صدر تا کنون اهمیت سیاسی و تاثیر گذار خود را داشته است بلکه اینک با اصرار شاه جوان به مهمترین وجه تمایز ایران از قدرت اسلامی رقیبش یعنی عثمانی تبدیل می‌شد (ابواب الجنان، ص ۱۱)

استمرار مذهب تشیع اینک موجودیت مشوش سنت فرهنگی ایران را در کسوتی جدید سامان می‌داد. علاقمندی شاهان صفوی در انتساب به خاندان پیامبر که در شجره نامه صفوه الصفا بازتاب می‌یابد نشانگر اهمیت اصل بنیادی امامت در تعالیم شیعی از سویی و از سوی دیگر تانجا که در برخی منابع منعکس می‌شود حکایت از علاقمندی آنان به جنبه الهی حاکمیت آنان است. به جز تغییر ناگهانی کیش تشیع به تسنن در دوران اسماعیل دوم، اهتمام شاهان صفوی به تقویت بنیانهای فکری تشیع بسیار جدی بود، در این میان شاه عباس صفوی، خلف لایق سلطان محمد خدابنده که مجدد حیات سیاسی، فرهنگی صفویان بود.

شاه عباس به همان سان که به تغییر در ساختار نو اداری و نظامی ایران می‌اندیشید از تقویت ایدئولوژی شیعی صفوی به عنوان اصلی ترین رکن حکومت خود غافل نبود.

"...شاه عباس به همان نسبت که در تقویت و ترویج ایدئولوژی شیعی صفوی می‌کوشید از کیش صوفی منشانه اجدادی خود در اردبیل نیز فارغ نبود.. (همان، ص ۱۹)

این نگرش قطعا مذهب غالب را رکن رکن حکومت انگاشته و از تقویت آن نمی‌توانست فارغ بوده باشد بر این نگرش دستاوردی چون رشد علوم دینی و با اندکی تسامح عقلی و کلامی مترتب بود.

حکومت صفویان، فرصتی بود تا عالمان علوم شرعی بر بنیاد تلاشهای گذشتگان خوددانشهای مذهبی را تدوین نمایند"....هرچه حدیث و خبر.. بود جمع کردند از آنها دفترها ساختند ... و کتابهای موجز و مشروع در مجموع احکام فقه شیعه تالیف کردند و در علم کلام و تفسیر و تدوین ادعیه و ادکار آخرین کوششهای خود را به کار بردند..." (تاریخ ادبیات، ج ۴، ص ۱۱۷)

در این میان و در فرصت به دست آمده در سایه رسمیت مذهب شیعه وقت آن بود تا دو شیوه تفلسف در قالب دینی که از آن به علم کلام یاد می‌شود و دودوگر شیوه تفلسف غیر دینی که همانا فلسفه و دو جریان غالب اسلامی - ایرانی آن یعنی اشراق و مشائی موضوع کوشش علمی دیگری قرار گیرد. به گونه ای که می‌توان گفت: "...فلسفه و کلام هم در این قلمرو به هم نزدیک شدند. مشکل بتوان دریافت که اثر ویژه ای از سید شریف جرجانی و یا جلال الدین دوانی بیشتر کلام است یا فلسفه.." (تاریخ ایران صفوی، ص ۳۳۹)

اگر شاخصه ادبیات منثور دوره صفوی خدمت به تعالیم دینی و انعکاس آن در قالب حکمت عملی است علم کلام این دوره نیز تمام مساعی خویش را در اثبات پایه های تشیع دوازده امامی به کار بست اثری همچون "نهج الحق و کشف الصدق" یکی از همین آثار است، فضل الله روزبهان خنجی مشهور به خواجه ملا با تالیف ردیه خود بران به نام "ابطال نهج الباطل و اهمال کشف الحاصل" احساسات دینی قاضی نور الله شوشتری را بر انگیخت تا ردی بر ردیه خواجه ملا به نام "احقاق الحق و ازهاق الباطل" بنویسد تا با این کار و به دنبال نگارش "مجالس المومنین" مزید بر علت شده و جهانگیر را به تنبیه قاضی تاسرحد مرگ وادار سازد.

ب- سنت فلسفی ایران: از قزوین تا اصفهان (تداوم سنت فلسفی ایران از قزوین به اصفهان و..)

تردیدی نیست شکل گیری مکتبی فلسفی با اندیشه های ژرفی همچون صدر المتالهین بدون پیشینه قابل تصور نیست براین اساس مهمترین عاملی گسترش و تاسیس، مکاتب جدیدی همچون اصفهان در حوزه تفکر فلسفی - کلامی را در اندیشه پیشینه فکر فلسفی ایران می بایست جستجو کرد.

بر خلاف متفکران مغرب زمین، مرگ ابن رشد پایان تفکر فلسفی در قلمرو فکری اسلام نبود.^۱ ایرانیان تفکر فلسفی را در دو مکتب مشایی و اشراقی سینه به سینه حفظ کرده و انتقال دادند خواجه نصیر تفکر فلسفی را به خدمت کلام درآورد محی الدین عربی تاملات ذوقی را به اوج رساند و صدر المتالهین از پس شیخ بهایی و میر داماد و دشتکی افکار خود را در اوج این سنت نشانند.

با انتخاب شهر قزوین به پایتختی دولت صفوی عالمان بسیاری به این شهر مهاجرت کردند قزوین که به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی در طول سالیان قبل از آن مرکز مناظرات فکری بود امادگی های خود را در زمینه رشد تفکر عقلانی به ظهور رساند.

حضور اسماعیلیان و نزاع مردم سنی مذهب قزوین با این فرقه را شاید مهمترین جریان فکری - کلامی این شهر بتوان ذکر کرد: "... با به قدرت رسیدن اسماعیلیان در منطقه رودبار الموت

۱- در این باره "ابن رشد یکی از نیرومندترین متفکران جهان اسلامی است ... هرچند پس از مرگ حکیم، اوازه او مدتها در مشرق خاموش ماند..." نک: (تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۷۰۵)

بردرگیریهای مذهبی و ایینی میان مردم قزوین و اسماعیلیان افزوده گشت ... "سیمای تاریخ و... ج ۲، ۹۷۹)

اگرچه نام قزوین با نام اسماعیلیان از دید مورخان گره خورده است اما "... امارات زیادی دال بر وجود هواخواهان شیعی در میان بازرگانان و اهل ادب در دست است، ولی به نظر می آید که اینان ترجیح می داده اند که از فرقه معتدل و غیر فعال دوازده امامی باشند تا از اسماعیلیان انقلابی بدعتگذار " (سیمای تاریخ ص ۱۴۴، فدائیان اسماعیلی ص ۱۹۳)

به هر روی قزوین به پایتختی دولت صفویان انتخاب شد "... با انتقال پایتخت به قزوین و در پی مهاجرت گروهی از شیعیان به این شهر تعادل مذهبی تا حدی به سود شیعه مذهبان تغییر کرد، در مسجدها و تکیه ها معتقدات اهل سنت مورد حمله قرار گرفت...". (سیمای تاریخ و... ج ۲، ۹۸۴)

به نظر می رسد در این زمان فعالیت‌های فکری در سه حوزه فکری اسماعیلیان، صوفیان، سنی ها و اقلیت شیعیان دوازده امامی در جریان بوده است.

گزارشی تاریخی با اشاره به مساجد عمده قزوین^۱ از مساجد جامع کبیر و جامع صغیر (حیدریه) به عنوان کانون سنتی عرضه تفکر حنفی در قزوین یاد می کند: "... از این رو شاه طهماسب برای آنکه بتواند پایگاههای معتبری برای شیعه مذهبان به وجود آورد اقدام به بنای مسجد شاه در مجموعه بافت شهر جعفر اباد کرد تا شیعیان قزوین در برابر دو جامع وابسته به اهل سنت مسجد شکوهمندی در اختیار داشته باشند" (سیمای تاریخ و... ج ۲، ۹۸۷)

"... با انتخاب قزوین به پایتختی دوران شکوفایی ان آغاز گشت و مراحل رشد و شکوفایی را یکی پس از دیگری پیمود..." (سیمای تاریخ و... ۱۸۴)

با این وجود هنوز زود است که قزوین قرن دهم را مرکز بی بدیل و رقیب سایر مراکز تفکر شیعی بدانیم چراکه هنوز قزوین در کشاکش منازعات فکری قرار داشت چراکه اهل تسنن قزوین و اهل تصوف^۲ در معنی عام خود هنوز علیرغم اجبار دولت صفوی در برابر مذهب غالب به مقاومت خود ادامه دادند و از هر کوششی برای چالش برای ایین شیعه دریغ نمی ورزیدند. از ان جمله می توان به نقش "میرزا مخدوم شریفی" مرد دین و سیاست در این دوران اشاره

۱- در باره مساجد قزوین نک: مینودر یاباب الجنه قزوین ج ۱ ص ۱۷۵ همچنین مرحوم گلریز در این کتاب فهرستی از نام آوران قزوین را با معرفی آثار ارایه داده است.

۲- برای اطلاع در خصوص تلاشهای تصوف و نقش آفرینی فرقه ای از آنان رجوع کنید به (سیمای تاریخ و... ۱۰۰۳ ج ۲)

کرد(سیمای تاریخ... ۱۰۳۵ ج ۲) که تمام مساعی خویش را در رد عقاید شیعه در کتاب نواقض الروافض خلاصه کرد.

در این جدال عقیدتی - کلامی دعوت از عالمان شیعی مذهب صاحب اثر از مناطق عمده شیعه نشین لبنان و عراق نیازی عاجل بود این دعوت که از دوران شاه اسماعیل آغاز شده بود در دوره شاه طهماسب به میزبانی شهر قزوین به شتاب خود ادامه داد. بر دعوت متفکران و متالهان شیعی اثری مترتب بود... از جنبه های منفی این جریان تحت رودر رویی با جامعه عظیم اهل سنت و علمای معتبر آن در داخل کشور و به ویژه قزوین به عنوان پایتخت و مرکز قدرت را می توان یاد گرفت و دو دیگر بسط و گسترش زبان عربی زیرا عهد آن علما به زبان عربی تسلط داشتند و نوشته ها و درسهایشان به زبان عربی صورت گرفت.."(سیمای تاریخ و...، ۹۹۳ ج ۲)

به هر حال اگر چه قزوین در ابتدای حکومت صفویان به دلایلی از جمله موقعیت خاص جغرافیایی جدا از اینکه بر سر راه های حکومت های مختلف دست به دست می شد نتوانست شکوفایی تاملات فلسفی عصر صفوی که بعدها به نام مکتب اصفهان نامبردار شد را به میزبانی بنشیند، اما می توان گفت قزوین در بستر سازی این مکتب از طریق میزبانی عالمان شیعی و انتقال سینه به سینه سنت فکری ایرانی در پرتو توجه جدی حاکمان صفوی به مذهب شیع نقش آفرین باشد.

ج- پایتختی اصفهان: تجدید حیات معرفت فلسفی (سیاست خارجی و نتیجتا تساهل و تسامح دربار صفوی)

بر طالع اصفهان بود که در سال ۱۰۰۶ به پایتختی دولت مقتدر صفوی انتخاب گردد(فرهنگ سخنوران...، ص ۳۳) اگر چه در انتخاب اصفهان به پایتختی دلایل موجهی ارایه شده است "... کمی پیش از لشکر کشی به خراسان شاه عباس پایتخت خود را از قزوین به اصفهان منتقل کرده بود. نزدیکی شهر اصفهان به مرکز کشور، حرکت دادن سپاهیان در جهات مختلف قلمروش را آسان تر میکرد." (ایران عصر...، ص ۷۳)

به هر روی یقینا میل به جاودانگی اسم و رسم در پایه گذاری شهری با آرمانها و ارزشهای متمایز آن روزگار از سوی شاه صفوی قطعاً از دید مورخ منصف به دور نخواهد بود.^۱

۱- عالم ارای عباسی دلیل انتخاب شهر اصفهان را شرایط اقلیمی اصفهان و علاقه شاه عباس به ان خطه را ذکر میکند. (عالم ارای عباسی، ص ۵۴۴)

چیزی نگذشت که اصفهان به شهری پویا و با رونق مبدل شد.^۱ پویایی شهر اصفهان هم در حوزه تمدن (معماری صنعت و...) و هم در حوزه فرهنگی بیش از پیش شد، بستر تغییر و دگردیسی اگر چه به دلایل قبل الذکر در اثر حمایت های شاه اسماعیل و البته شاه طهماسب^۲ در قزوین گزارد شده بود اینک اصفهان عباسی که در معماری نیز متاثر از افکار عالمان دوره صفوی بود. نقش آفرینی خود را در آنچه بعدها به مکتب اصفهان مشهور شد آغاز نمود.

در پیوند میان رونق اقتصادی و تجاری اصفهان دوره صفوی و رشد حیات عقلی اصفهان علاوه بر دلایل فوق الذکر می توان به عملگرا بودن شاه عباس صفوی اشاره کرد.

"...شاه عباس اول که در همه زمینه ها عمل گرا بود دریافت که پیش گیری سیاست تساهل مذهبی نسبت به روحانیون مسیحی به برقراری محیطی خواهد انجامید که در آن تجارت با اروپا قادر به شکوفایی شدن است..." (ایران عصر...ص ۸۷)

نتیجه آنی این تصمیم درحوزه فرهنگی و دگر دیسی آرامی که از تبریز و قزوین اینک به اصفهان رسیده بود حضور نمایندگان فرقه های رهبانی غیر مسلمان بالاخص فرقه مسیحی به قلمرو فلسفی ایران دوره صفوی بود.

"...علاوه بر بازرگانان... عده زیادی از اروپائیان دیگر نیز به اصفهان آمدند سفرایی از اسپانیا، پرتغال، انگلستان نمایندگانی از فرقه ای که اجازه تبلیغ آئین خود و تاسیس صومعه در ایران را یافتند. ... (ایران عصر...ص ۸۶) این گزارش که توسط منابع دیگر و از جمله سفرنامه های سیاحان اروپائی (مسیحی) نیز به اشکال گوناگون تایید می گردد اشتغالات متالمان مسلمان شیعی را سخت و زیاد می سازد. البته این سیاست تساهل دربار صفوی تنها متوجه جهانگردان و مبشران نبود بلکه شامل بزرگترین جامعه مسیحی ایران یعنی پیروان آئین کریگوری نیز بود،^۳ اینک نخستین رویارویی اندیشه مندان ایرانی و مبشران و متالمان غیر مسلمان با جدیت و شتاب آغاز شده بود.

۱- راجر سیوری در اثر ارزنده خود با اشاره به ویژگیهای اصفهان می گوید "... بازرگانان از چین و هند، آسیای مرکزی، ... برای خریدن اشیای تجملی... به اصفهان روی می آوردند..." (ایران عصر...ص ۸۶)

۲- لاکهارت در اثر ارزنده خود به نقش شاه اسماعیل و ساه تهماسب در ترویج آیین تشیع اشاره میکند و دلیل ناکامی شاه اسماعیل را شکست وی جنگ چالدران می داند. (انقراض صفویه، ص ۱۷) در باره فعالیت های شاه طهماسب در گسترش و تثبیت تشیع گفته می شود یکی از مهمترین اقدامات او توجه به فرهنگ وقف و رونق این اصل بود نک: ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران... ص ۳۲۰.

۳- گزارشهای بسیاری در این باره وجود دارد از جمله: "...شاه عباس اول به ارامنه جلفا امتیازات زیادی شامل آزادی کامل عبادت و حق ساختن و نگاه داشتن کلیسا اعطا کرد..." (ایران عصر...ص ۶۴۵)

طبقات اعلام شیعه آثاری را بر ما عرضه میدارد که در همین زمینه و با انگیزه منازعه کلامی پدید آمده اند. "مصل صفا"، "صواعق رحمان" و "لوامع ربانی" تالیف سید احمد علوی عاملی از شاگردان میرداماد با موضوع رد شبهه های مسیحیان نمونه ای از این آثار است. (طبقات اعلام الشیعه، ج ۲۹، ۲۷-۵)

میر محمد باقر خاتون آبادی که کرسی استادی شرح اشارات در حوزه اصفهان را بر عهده دارد با دقت عالمانه ای ضمن ترجمه اناجیل به رد باورهای ناروا و تفسیرهای باطل مسیحیان می پردازد.

اگر چه متفکران شیعی دوره صفوی بخشی از اشتغال علمی خود را در مباحثه با مبلغان مسیحی صرف می کردند اما کمتر گزارشی نشان میدهد که آنان آئین عیسوی اختیار کرده باشند. اما پاره ای گزارشها درباره تغییر مذهب مسیحیان شنیدنی است، شاردن با افسوس بسیار گزارش را نقل میکند که بر اساس آن یکی از اعظم خلفا به نام آقاپیری از دیانت مسیح خارج و متأثر از آثار بوعلی و متکلمین اسلامی با شیفتگی هر چه تمامتر آئین اسلام اختیار میکند. شاردن با تاسف فراوان از این اتفاق، روز گروه آقا پیری به اسلام را روزی نا مبارک توصیف میکند. (سفرنامه شاردن، ص ۶۱۹)

این نزاع کلامی روز افزون نیاز عاجلی به مبانی محکمتر و سازگارتر با حوزه تفکر اسلام ایرانی را طلب میکرد از همین روی "....فیلسوفان مختلفی در قرون سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم به شرح آثار سهروردی می پرداختند. اما در دوره صفوی بود که تعالیم وی کاملاً شکوفا شد و حیات عقلی اسلام را عمیقاً تحت تاثیر قرار داد. عقاید سهروردی به طور عمده توسط دو فیلسوف صفوی از نو زنده شد" (ایران عصر...، ص ۱۹۵)

آرام آرام این نیاز به تلفیق و البته رشد جریان های فکری منجر شد این سازماندهی جدید خود را در بافت تشیع به صورت سیستمی فلسفی و کلامی بروز داد که حرکت غایی آن در فلسفه و مابعدالطبیعه صدرایی جلوه گراست. دستگاه عظیم فلسفی که اختلاطی از کلام، فلسفه، عرفان در پرتو آموزه های شیعی بود و به مکتب فلسفی اصفهان نامبردار شد. و اینک می توان به کلام سیوری استناد کرد که: "...سهام صفویه در فلسفه ایرانی و اسلامی نیز تا دوران اخیر یا کمتر از واقع برآورد شده یا اصولاً انکار شده است..". (ایران عصر صفوی، ص ۱۹۳)

نتیجه گیری:

برآمدن حکومت صفویان پس از قرن ها سیطره حاکمیت بیگانه و مشوش به کشوری قدرتمند و مستقل تبدیل می ساخت؛ نسیم پویایی را- نیز با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی

کشور- در روح خسته حوزه های فرهنگی ایران می‌دمید. حکومت صفوی برآمده از آموزه‌های مذهب، آرام آرام تشیع اثنی‌عشر را به عنوان مهمترین رکن ایدئولوژی سیاسی و مشی فرهنگی خود برگزید. پویایی حیات عقلی اصفهان در دوره صفوی عمدتاً ناشی از همین دیدگاه می‌تواند باشد چرا که:

الف) سیاست خارجی و نتیجتاً تساهل و تسامح دربار صفوی نسبت به پیروان سایر فرق و ارتباط با غرب آن روز به تقویت پایه‌های کلامی دین می‌انجامید چرا که تحکیم پایه های کلامی مذهب در تقابل مجادلات کلامی و تبلیغات سایر ادیان بالاخص مسیحیت و مبشران ضروری بود. ب) ایدئولوژی سیاسی صفوی مبتنی بر مذهب اثنی‌عشری قطعاً با توجه به همسایگی با حکومت عثمانی نیازمند پایه‌های کلامی و فلسفی قوی‌تر بود.

ج) اتخاذ مسلک اعتقادی- سیاسی صفوی از دید متفکران آن روز فرصتی بود تا آنان به امتداد سنت فکری و فلسفی ایران که اینک از قزوین به اصفهان منتقل شده بود بپردازند. فرصتی که در پایان نتایجی چون حکمت متعالیه و مکتب متعالی اصفهان را داشت.

فهرست منابع :

۱. صفت گل ، منصور ، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: رسا، ۱۳۸۱
۲. گلریز ، سید محمد علی ، مینو دریا باب الجنه قزوین ، تهران : طه ، ۱۳۳۷
- ۳ . لاکهارت ، لارنس، انقراض سلسله صفویه ، ترجمه : اسماعیل دولتشاهی ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۳
۴. الفخوری ، حنا ، الجر ، خلیل ، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ترجمه : عبدالمحمد آیتی ، تهران : علمی و فرهنگی ، ۱۳۵۵
۵. خیری ، سید محمود ، فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین، قزوین : طه ، ۱۳۷۰
- ۶ . سیوری ، راجر ، ایران عصر صفوی ، ترجمه : کامبیز عزیزی ، تهران : انتشارات سحر ، چاپ سوم ۱۳۶۳
۷. لوئیس ، برنارد ، فدائیان اسماعیلی ، ترجمه : فریدون بدره ای ، تهران : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۸،
۸. اسکندر بیک منشی، عالم ارای عباسی، تهران : بی جا ، ۱۳۵۰
۹. ورجاند ، پرویز ، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، تهران نشر نی، ۱۳۷۷
۱۰. واعظ قزوینی ، میرزا محمد رفیع ، ابواب الجنان ، تصحیح : مهدی راونجی ، قم : ایده گستر ، ۱۳۹۰
۱۱. صفا، دکتر ذبیح الله ، تاریخ ادبیات ایران ، ج ۴، تهران : انتشارات فردوس ، ۱۳۸۴
۱۲. فخری ، ماجد ، سیر فلسفه در جهان اسلام ، ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله پور جوادی ، تهران : مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۸۸
۱۳. تاریخ ایران دوره صفوی (کمبریج)، ترجمه: دکتر یعقوب اژند ، تهران : جامی، ۱۳۸۰.
۱۴. آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ۵۶۸.
۱۵. سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، ج ۲، تهران: توس.